



به یاد مهدی طالب
رئیس سابق انجمن انسان شناسی ایران
استادی که نگران ایران بود

این بار نوبت او بود، هرچند آمدن و رفتن اصلاً نوبتی نیست! هر که آمد روزی خواهد رفت که این روز همیشه زود است! او هنوز کارهای زیادی داشت که ۵۰ سال پیش شروع کرده ولی به تمام نرسانده بود. در جامعه محققین و اهل فکر، روال کار همین است، تا آخرین لحظه هنوز کار تمام شده‌ای در کار نیست، چرا که هر روز و هر لحظه بایستی به نظرات و نوشته‌های فکرنی و در حال به روز رسانی و کامل‌تر کردن آنها باشی. ولی افسوس که حقیقت مرگ چیز دیگریست! او کار خودش را در موقع تعیین شده تمام می‌کند. مهدی طالب از جمله استادانی بود که بیش از نیم قرن به کار پژوهش و تدریس در دانشگاه تهران پرداخت. او دکترای جامعه‌شناسی را از دانشگاه شهر تولوز (فرانسه) گرفت. یکی از اولین پژوهشگران جامعه‌شناسی روستایی در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود و همچنین یکی از بنیانگذاران رشته توسعه روستایی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

دکتر مهدی طالب هم مانند بسیاری از همکاران دیگرش بخش اعظم عمر خود را در روستاها و میان روستائیان گذراند تا این جامعه به ظاهر ساده ولی بسیار پیچیده را که سهم مهمی در فرهنگ و اقتصاد کشور دارند به درستی فهم و معرفی نماید و برای پیشرفت و توسعه آن، راهکارهای علمی و عملی ارائه دهد. کتاب‌ها و مقالات گرانسنگی که حاصل پژوهش‌های

وسیع و عمیق او طی سالیان دراز هستند، به روشنی زحمات باارزش او را می‌نمایانند. کتب درخشان «اعتبارات روستایی در ایران»، «اصول و اندیشه‌های تعاونی» و «جامعه‌شناسی روستایی» و... در کنار ده‌ها مقاله حاصل پژوهش‌های میدانی و فعالیت‌های علمی او در تمامی عمر مفیدش را در بردارند. مهدی طالب به همراه دو همکار دیگرش مصطفی ازکیا و منصور وثوقی، ستون‌های اصلی گروه توسعه روستایی در دانشکده علوم اجتماعی بودند. ستون‌های بلندی که هنوز هم کسی همتراز آنها نمی‌شناسیم.

مهدی طالب متولد شهر نهاوند با اصلیت لری بود. پدرش به یکی از خاندان‌های بزرگ و معروف این شهر تعلق داشت. به همین دلیل به عشایر عشق می‌ورزید و همیشه به ایلیاتی بودنش افتخار می‌کرد. بیش از سی سال همکاری نزدیک و صادقانه، ما را به دو دوست صمیمی تبدیل کرده بود. صمیمیت ما به حدی بود که مانند دو برادر با هم مراوده داشتیم. این صمیمیت باعث شده بود که او را آنقدر دقیق بشناسم که بتوانم حقیقت وجودی او را دریابم.

سفرهای پر شمار و گوناگون در کنار هم، فرصتی بود تا به فضایل اخلاقی‌اش بیشتر پی ببرم و از او بیاموزم. در همین سفرها دریافتم او مرام و معرفت را بخوبی می‌شناسد. هرگز ندیدم در مردانگی، سخاوت، صداقت و پایمردی، و پای بندی به اصول اخلاقی و انسانی در هر شرایطی کم بگذارد. در امور خیریه همیشه در صف اول بود و هرآنچه می‌توانست بی دریغ و بدون منت و ریا در طبق اخلاص می‌گذاشت. طالب برای حل مشکلات دیگران از هیچ تلاشی فرو گذار نمی‌کرد و تا آخر پای کار می‌ماند تا مشکل را حل کند. جسارت، شهامت و بی‌پرده‌گویی از ویژگی‌های بارز او بود. حرف آخر را اول می‌زد با کسی هم تعارف نداشت. در مقابل ظلم و ظالم تا توان داشت ایستادگی می‌کرد. برای نقد ناملازمات زبان تند و گزنده‌ای داشت. بی‌عدالتی را تحمل نمی‌کرد و حاضر بود در مقابل آن هزینه هم پردازد تا محقق نشود. دو رویی و تزویر در قاموس‌اش نبود. راه گذشت را بخوبی می‌شناخت و هر کجا لازم بود از آن به درستی بهره می‌برد. سیاسی نبود ولی سیاست را دوست داشت. برای تعقیب رویدادهای سیاسی روز، وقت

می‌گذاشت. اصولاً کم حرف بود. با وجود اینکه فردی حساس و زود رنج بود ولی به ندرت عصبانیت در چهره‌اش دیده می‌شد. بارها دیده بودم، هر نوع نظری درباره هرکسی داشت با شهامت در حضورش بیان می‌کرد. طالب از بحث سیاسی با افراد پرهیز داشت، اگر هم بحث می‌کرد صحبت‌هایش را خلاصه و کوتاه می‌گفت و از چند کلمه تجاوز نمی‌کرد! اما در در کلاس‌هایش با صدای رسا و بی‌محابا نظرات‌اش را ابراز می‌کرد. پژواک او به حدی بود که نه فقط در کلاس و دانشکده بلکه در دانشگاه هم شنیده می‌شد و همین خصوصیت باعث شده بود که او به یک چهره دانشگاهی تبدیل شود. ظاهرش آرام و چهره‌اش بشاش می‌نمود ولی درون‌اش از نگرانی موج می‌زد. این اواخر دغدغه اصلی‌اش آینده کشور بود که به کجا می‌رود و به کجا می‌رسد! نگران بود راهی که در پیش است به بن بست برسد و از تاریکی راه بازگشت بینهایت وحشت داشت. پیدا کردن راه حل برای عبور از بحران‌ها فکرش را شدیداً مشغول کرده بود. زمانی که مشاور وزیر مسکن بود و یا رئیس انجمن انسان‌شناسی بود، سمینارهای پرمحتوا و با شکوهی را برنامه‌ریزی و مدیریت کرد که هنوز در خاطره‌ها مانده‌اند. از شانس‌های مهم زندگی‌اش داشتن همسری مهربان، فداکار و با فضیلت بود. نقش مهم خانم فروغ زمان بارنجی در موفقیت‌های دکتر طالب انکار ناپذیر است. مهدی به راستی مرد سفر بود. برای سفر به هر کجا و در هر زمانی و با هر کسی آماده بود. فقط در سفر بود که او را در بالاترین سطح از آرامش می‌شد دید. دکتر مهدی طالب فقط یک استاد نبود، بلکه معلمی بود با وسعت مهربانی یک پدر. افسوس که تقدیر او را با باد برخاسته از طوفان کرونا با خود برد تا این آخرین سفرش باشد. روحش شاد

جلال‌الدین رفیع فر

رئیس اسبق انجمن انسان‌شناسی ایران و

استاد دانشگاه تهران